

برگزاری بزرگداشت حافظ در حافظیه

بیستم مهرماه به نام بزرگ‌مرد شعر و ادب پارسی، خواجه شمس‌الدین محمدحافظ شیرازی در تقویم رقم خورده است و هر سال در این روز، برنامه‌های مختلفی در آرامگاه وی و شهر شیراز برگزار می‌شود.

امسال بیست‌ویکمین دوره بزرگداشت حافظ شیرازی از نوزده مهرماه با عنوان «شاهد قدسی» در شیراز برگزار می‌شود.

این برنامه، امسال با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان میراث‌فرهنگی و استادان و پژوهشگران

ادبیات فارسی در آرامگاه حافظ برگزار می‌شود.

در برنامه بزرگداشت روز حافظ، پس از هشت سال نشان درجه یک «حافظ» به سعید حمیدیان، استاد دانشگاه علامهطباطبایی و نویسنده مرجع حافظ‌پژوهی و کتاب پنج‌جلدی «شرح شوق» اعطا می‌شود؛ علاوه بر آن مطابق سنت هرساله بزرگداشت حافظ، همایش علمی با حضور استادان و پژوهشگران ادبیات فارسی برگزار می‌شود.

اداره کل میراث‌فرهنگی استان فارس، بازدید از آرامگاه حافظیه را درامروز رایگان اعلام کرد.

به‌بهانه روز بزرگداشت حافظ، در گفت‌وگو با دکتر مهدی نوریان، استاد دانشگاه مطرح شد:

حافظ، نسخه‌پیچ جامعه‌نیست

مجددصادق حسینی
majid.eng12@yahoo.com

که در یاد می‌ماند و می‌تواند یک ارزش‌گذاری برای شش‌سر لسان‌الغیب تلقی شود؛ به همین دلایل «بیستم مهرماه» تاریخ مناسبی برای نام‌گذاری چنین روزی به‌عنوان روز بزرگداشت حافظ توسط دست‌اندرکاران بنیاد فارس‌شناسی در سال ۱۳۷۵ ارزیابی و انتخاب شد. به همین مناسبت با دکتر مهدی نوریان، استاد مسلم و مسلط ادبیات فارسی درباره شخصیت حافظ و آثارش و همچنین برخی از شب‌هات در این رابطه به گفت‌وگو نشستیم:

حافظ درواقع نوعی سمبل فرهنگی است. از فردبی اعتقاد تافرد معتقد، بر سر سجاده‌اش یا در کنار میخانه‌اش، دیوان حافظی دارد. عده‌ای او را بهترین شاعر تاریخ ما می‌دانند. پر شش این است که راز ماندگاری و محبوبیت حافظ، باوجود این حجم از فرازوفرودهای مختلف در تاریخ کشور مان چیست؟

فردوسی، مولانا، سعدی و حافظ چهار شاعر بزرگ ما هستند که می‌توان نظامی را نیز به‌عنوان پنجمین شاعر بزرگ تاریخ ایران‌زمین به آنان افزود. هر کدام از این پنج ستاره درخشان شعر ما، در حوزه تخصصی خود در شاعری، به بالاترین مقام‌ها دست یافته‌اند و قیاس کردن هر کدام از آنان با یکدیگر به‌منزله قیاس مع الفارق است؛ به عنوان مثال، فردوسی حماسه‌سرایی است که تنها باید با حماسه‌سرایی همانند دقیقی، اسدی طوسی و نظایر آنان مقایسه شود. با ذکر این توضیح، حافظ را نمی‌توان «بزرگ‌ترین» شاعر، بلکه می‌توان «محبوب‌ترین» شاعر به‌خصوص در عصر فعلی دانست. دلیل این ادعا نیز به‌وضوح قابل مشاهده است؛ به‌طوری‌که هر سال دیوان اشعار حافظ شیرازی در اشکال و ابعاد مختلف به چاپ رسیده و به‌طور کامل به فروش می‌رسد. به عبارتی دیگر، آثار مرتبط با حافظ، از پرتیراثرترین آثار ادبی زبان فارسی است. علت این محبوبیت حافظ را باید از چند وجه بررسی کرد؛ چون یک هنرمند در آثار هنری‌اش، پیوسته در حال بیان تجربه خوداست؛ بنابراین محبوبیت یک شاعر نیز با «من» ایجادشده توسط آن شاعر ارتباط مستقیم دارد. به زبان ساده‌تر تفاوت یک هنرمند با یک فرد عادی در آن است که یک غیرهنرمند برخلاف یک شاعر هنرمند، توانایی بیان تجربیات خود به زیباترین صورت را ندارد. بسیاری از تجربه‌ها همانند از‌دست‌دادن یک عزیز و نوع عکس‌العمل درباره این اتفاق، در مسیر زندگی بسیاری از انسان‌ها مشترک است؛ اما تنها یک شاعر هنرمند همانند خواجه حافظ شیرازی، قادر است به‌عنوان مثال تجربه تلخ از‌دست‌دادن فرزند خویش را در قالب این غزل به بهترین نحو بیان کند: «بلبلی خون دلی خورد و گلی حاصل کرد باد غیرت به صدش خار پریشان دل کرد…»

تأثیر‌گذاری موجود در چنین اشعاری موجب نوعی هم‌دلی با مخاطب خواهد شد و برگرفته از نگاه فراشخصی حافظ در اشعار خویش است: «من ملک بودم و فردوس برین جایم بود/ آدم آورد در این دیر خراب آبادم». همان‌طور که مشخص است «من»



عدم رعایت تکیه روی برخی از کلمات، به‌خصوص در شعر حافظ، معنای شعر را به‌طور کلی دگرگون یا نامفهوم می‌کند و جای تأسف است که حتی بیشتر کسانی که در رسانه‌ها به حافظ خوانی می‌پردازند این مسائل را رعایت نمی‌کنند

سروکار دارد، نه عقل آدمی.

به‌عنوان مثال، حافظ می‌گوید: «مصلحت دید من آن است که یاران همه کار / بگذرانند و خم طره یاری گیرند». حال اگر از دیدگاه منطق و استدلال به این بیت نگاه کنیم این شبهه ایجاد می‌شود که چگونه ممکن است انسان تمام کار و زندگی خود را تعطیل کند و به گرفتن خم طره یار بپردازد؟! درحالی‌که نگاه از این زاویه به چنین بیتی به‌طور کل اشتباه است. حافظ نسخه‌پیچ جامعه‌نیوده؛ بلکه خالق اثری هنری بر اساس عواطف، احساسات و تخیل خود است و عواطف هر انسانی حتی در طول روز پیوسته در حال تغییر است.

حالا مفهوم عیش حافظ، برگرفته از «خوش‌باشی» و به اصطلاح اپیکور بسم است یا ناشی از یک درجه و مرتبه عرفانی؟

روز بزرگداشت حافظ و عضویت رایگان در کتابخانه‌های عمومی فارس

مسئول پایگاه اطلاع‌رسانی اداره کل کتابخانه‌های عمومی فارس گفت: علاقه‌مندان می‌توانند امروز (پنجشنبه، بیستم مهرماه) با مراجعه به نزدیک‌ترین کتابخانه عمومی محل سکونت، کارت عضویت یک‌ساله خود را به‌صورت رایگان دریافت کنند.

بر این اساس ثبت‌نام رایگان در همه کتابخانه‌های عمومی استان فارس و یارانه مدارک لازم برای ثبت‌نام (کارت ملی و عکس)، مراجعه حضوری شخص متقاضی به کتابخانه‌های عمومی و پرداخت هزینه صدور کارت (۵۰۰۰ریال) انجام

می‌شود.استان فارس ۱۸۳ کتابخانه عمومی نهادی دارد و بر اساس طرح عضویت سراسری نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، با عضوشدن در یک کتابخانه عمومی می‌توان از خدمات تمام کتابخانه‌های عمومی استفاده کرد.

افزون بر این، به‌مناسبت روز بزرگداشت حافظ، ویژه برنامه‌های گوناگونی با محوریت حافظ و حافظ‌شناسی همچون نشست حافظ‌خوانی، جلسه نقد و بررسی اشعار حافظ، نشست معرفی کتاب‌هایی با موضوع حافظ‌شناسی و... در کتابخانه‌های عمومی سراسر فارس در حال برگزاری است.



که چون تصویری می‌کنند زبان فارسی، زبان مادری آنان است، پس شعر حافظ را به‌درستی می‌خوانند و درک می‌کنند. شما تصور کنید زمانی که یک آواز خوان محبوب و مشهور در یک برنامه زنده تلویزیونی در شب عید، کلمه «هَنی» (به معنای گوارا) را در بیت «به عجب علم نتوان شد ز اسباب طرب محروم / بیا ساقی که جاہل را هنی‌تر می‌رسد روزی» به اشتباه «هنا» می‌خواند، تا چه اندازه این اشتباه کلیمی درباره شعر حافظ، در جامعه فراگیر خواهد شد.

به نظر من مسئله مهم‌تر در «درست‌خواندن» شعر حافظ، «تکیه روی کلمات» است. عدم رعایت تکیه روی برخی از کلمات، به‌خصوص در شعر حافظ، معنای شعر را به‌طور کلی دگرگون یا نامفهوم می‌کند و جای تأسف است که حتی بیشتر کسانی که در رسانه‌ها به حافظ خوانی می‌پردازند این مسائل را رعایت نمی‌کنند.

نکته سوم که باید قبل از خواندن اشعار حافظ مدنظر داشت، آشنایی با زبان شعر او به‌علت تحول دانمی زبان است؛ به‌عنوان مثال، «به هم» در بیت «اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد/ من و ساقی به هم وایم و بنیادش براندازم» به‌معنای «با هم» است؛ این در حالی‌است که اگر کسی از این معنای موجود در متون کهن اطلاع نداشته باشد، چنین بیتی را به اشتباه و با مفهوم تاختن حافظ به ساقی درک خواهد کرد؛ حتی این خطب تا جایی پیش می‌رود که عده‌ای مصرع دوم این بیت را تغییر داده‌اند و نوشته‌اند: «من و ساقی به هم سازیم»؛ درحالی‌که این مصرع جدید متعلق به حافظ نیست و این تغییر به‌دلیل ناآگاهی آن عده انجام شده است.

می‌توان یک تفاوت مابین حافظ و مولانا قائل شد: مولانا عارفی است که با استفاده از شعر، قصد آموختن عرفان خود به دیگران و بیان اعتقاد خود را داشته است؛ اما حافظ در درجه اول یک شاعر هنرمنداست و قصد ایجاد یک لذت هنری در مخاطب را دارد. حافظ برای ایجاد این لذت از موضوعات مختلفی مانند زیبایی طبیعت، گل، سبزه و... در کنار مسائل عرفانی در جهت عمق بخشی به اشعارش استفاده می‌کند و در اصل، عرفان را برای زیباسازی شعر خود به کار می‌گیرد. تعدادی از غزل‌های موجود در دیوان حافظ راهیچ‌گاه نمی‌توان به‌صورت غیر عرفانی توجیه کرد؛ به‌عنوان مثال، غزل «در ازل پرتو خست ز تجلی دم زد / عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد» یک غزل کاملاً عرفانی است. غزلی مانند «دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند/ واندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند» را چگونه می‌توان با عرفان بیگانه دانست؟!

اما شعر حافظ تک‌بعدی نیست و او به‌جز عرفان، به مسائل اجتماعی و سیاسی وقت خود نیز پرداخته است. درد مردم برای حافظ مهم بوده و این را می‌توان از برخی اشعار او دریافت. قرن هشتم ایستن حوادث سیاسی و انتقال قدرت بوده که حافظ نیز از کنار این وقایع بی‌اعتنا عبور نکرده است.

حالا دیدگاه شما، شعر حافظ را باید چگونه خواند؟

به مسئله بسیار مهمی اشاره کردید. ابتدا باید «درست‌خواندن» شعر حافظ مدنظر قرار گیرد. متأسفانه بارها دیده‌ام که در رسانه‌ها، آوازه‌ها... شعر حافظ را به‌شدت غلط می‌خوانند. مسلماً دور ماندن از چنین اشتباهاتی نیاز به مطالعه و آموزش دارد. اشتباه بزرگی که بسیاری از افراد مرتکب می‌شوند این است

چکیده‌ای از حافظ

خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی در حدود سال ۷۲۶ قمری در شیراز به دنیا آمد. پدرش بهاء‌الدین، بازرگان و مادرش اهل کازرون بود. پس از مرگ پدر، شمس‌الدین کوچک نزد مادرش ماند و در سنین نوجوانی به شغل نانواپی پرداخت. در همین دوران به کسب علم و دانش علاقه‌مند شد و به درس و مدرسه پرداخت. بعد از تحصیل علوم، زندگی او تغییر کرد و در جرگه طالبان علم درآمد و مجالس درس علمای بزرگ شیراز را درک کرد. او به تحقیق و مطالعه کتاب‌های بزرگان آن روزگار از قبیل «کشاف زمخشری»، «مطالع الانظار قاضی بیضاوی» و «مفتاح‌العلوم سکاکی» و امثال آن‌ها پرداخت؛ همچنین در مجالس درس «قوام‌الدین ابوالقبا عبدالله بن محمود بن حسن اصفهانی شیرازی» نیز حضور داشت.

او تفسیر قرآن، حکمت و ادبیات عرب را به‌خوبی می‌دانست و چون قرآن را با چند روایت و قرائت حفظ کرده بود به حافظ شهرت یافت. حافظ با الهام گرفتن از آموزه‌های اسلامی و مفاهیم قرآنی و به‌کارگیری استعاره‌ها و کنایه‌های منحصربه‌فرد، توانست ناب‌ترین غزل‌های تاریخ ادبیات ایران را بسراید.

اهمیت حافظ در آن است که توانست مضامین عرفانی و عشقی را به‌نجوی در هم آمیزد که از

دو شیوه غزل عارفانه و عاشقانه، سبک واحد و جدیدی به‌وجود آید. این شاعر استاد، افکار خود را با الفاظ بسیار زیبا و با توجه به صنایع لفظی بیان کرده و بر اثر قدرت فراوان خود در سخنوری، غالباً مضامین عالی و معانی بسیار را در ابیات کوتاه گنجانده است. ترکیباتی که حافظ در اشعار خود آورده، تازه، بدیع و بی‌سابقه است و در ساختن این ترکیب‌ها، نهایت قدرت و کمال ذوق و لطافت طبع خود را نشان داده که کمتر شاعری از این حیث با او قابل مقایسه است.

حافظ به سفر علاقهای نداشت و چون دلبستگی خاصی به شیراز داشت تقریباً تا آخر عمر از شیراز خارج نشد و تنها یک بار به شهر یزد سفر کرد؛ ولی به‌خاطر ملالت از یزد و یزدیان به شیراز بازگشت:

دلَم از وحشت زندان سکندر بگرفت
رخت بریندم و تاملک سلیمان بروم

همچنین، به دعوت «سلطان محمود کتی» راهی دکن شد؛ ولی در جزیره هرمز گرفتار طوفان شد و به‌همین دلیل سفر خود را آغاز نکرده به پایان برد و به شیراز بازگشت.

این نکته را نباید فراموش کرد که عهد حافظ با آخرین مراحل تحول زبان فارسی و فرهنگ اسلامی ایران مصادف بود؛ از این‌رو زبان و اندیشه او در مقایسه با استادان پیش از وی به ما نزدیک‌تر است و به این سبب است که ما حافظ را بیشتر از شاعران خراسان و عراق درک می‌کنیم و سخن او را بیشتر می‌پذیریم.

از نکات قابل توجه درباره دیوان حافظ، رواج «فال گرفتن» از آن است که سنتی تازه نیست و از

دربار در میان آشنایان شعر او متداول بوده است و چون در هر غزلی از دیوان حافظ می‌توان بیتی را حسب حال فال گیرنده یافت، او را «لسان‌الغیب» لقب داده‌اند.

این شاعر پرآوازه ایران‌زمین در سال ۷۹۲ هجری قمری دارفانی را وداع گفت.

آرامگاه حافظ در شهر شیراز و در منطقه حافظیه در فضایی آکنده از عطر و زیبایی گل‌های جان‌پرور، در آمیخته با شور اشعار خواجه، واقع شده است. امروزه این مکان یکی از جاذبه‌های مهم گردشگری به‌شمار می‌رود و بسیاری از مشتاقان شعر و اندیشه حافظ را از اطراف جهان به این مکان می‌کشاند.

در زبان اغلب مردم ایران، رفتن به حافظیه معادل باز یارت آرامگاه حافظ شده است. اصطلاح زیارت که بیشتر برای اماکن مقدسی نظیر کعبه و بارگاه امامان به‌کار می‌رود، به‌خوبی نشانگر آن است که حافظ چه چهره مقدسی نزد ایرانیان دارد. برخی از معتقدان به آیین‌های مذهبی و اسلامی، رفتن به آرامگاه او را با اداب‌ورسوم مذهبی همراه می‌کنند؛ از جمله با وضو به آنجا می‌روند و در کنار آرامگاه حافظ به نشان احترام، کفش خود را از پای بیرون می‌آورند. سایر دل‌باختگان حافظ نیز به این مکان به‌عنوان سبیلی از عشق راستین و نمادی از رندی عارفانه با دیده احترام می‌نگرند.

بر سر تربت ما چون گذری همت‌خواه
که زیارت‌گه زندان جهان خواهد بود

مشهور است که امروز در خانه هر ایرانی یک دیوان حافظ یافت می‌شود. ایرانیان طبق رسوم قدیمی

